



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

چهارشنبه ۲۵ سپتمبر ۲۰۲۴

حمید انوری

از پت سازی و پت پرستی تا پت شکنی

"تخریب تندیس عبدالعلی مزاری در غرب کابل" بی بی سی

چون غرض آمد، هنر پوشیده شد

صد حجاب از دل به سوی دیده شد

روزگار عجیبی بودی که عده بیکار و بی روزگار، شوق و ذوق مجسمه سازی کردی و در هر کوی و برزن و سر هر چهارراه و در هر باغ و بوستانی و هر دشت و دمنی و هر شهر و بازاری، مجسمه های سنگی و فلزی و... بیافرشتی و یک مشت افراد محتاج و بی نان و نوا را با بذل یک مشت پول باد آورده، مجبور به بت پرستی و تقدیس یک مشت سنگ و گل و خاک و آهنپاره نمودی و آن سرزمین بلا رسیده و ملا گزیده و آفت دیده را به بیراهه بُردی و خود در فکر اندر شدی که قبالة این سرزمین از جد اندر جد شان، بنام اینها مُهر و تاپه خوردی و این سرزمین آفت رسیده میراث پدري شان بودی و...

آنهمه مجسمه سازی و مجسمه تراشی و مجسمه پرستی، از افغانستان جنگ زده و آفت رسیده، یک بت ستان و یک قبرستان غمبار بساختی که از دیدن آن حال هر انسان آزاده چنان برهم بخوردی که در یک زمان طولانی و متواتر، اثرات ناگوار آن برجا ماندی.

یک جمع افراد و اشخاص مفت خور و زیاد خور و بالا نشین و خداشermanده و مردم رانده، در هر کنج و کناری و در هر میدان و چهارراهی و در هر شهر و روستا و در هر کوی و کمری، یا مجسمه مرده های شان را برافراشتی، یا قبر فلان ابن فلان را در ده ها جریب زمین، از پول های خیراتی تجاوزگران امریکائی و متحدین غربی شان، بساختی و در تمام طول و عرض افغانستان جنگ زده و آفت رسیده، حتی اگر یک متر مربع زمین "بی صاحب" بیافتی، در سر و کله

همدیگر بکوفتی و خونهای همدیگر بریختی که احمد تلاش داشتی قبر پدر در آن اعمار نمودی و محمود تلاش داشتی، مجسمه "رهبر" و...

افغانستان جنگ زده و مصیبت دیده را در کمترین زمان به یک گورستان غم انگیز و یک مجسمه سرای وحشتناک مبدل نمودندی و هر هفته و چهارشنبه و هر گاه و ناگاهی و هر صبح و پگاهی مراسم عزاداری و نوحه سرائی و فاتحه خوانی برپا بنمودی. تعظیم و تکریم به این مجسمه زمخت یا آن بت شکسته و تجلیل از این جنگ سالار و آن جنگ سالار و به سر و روی زدن و چیغ و فغان و خونریزی و خود زنی و... از اولویت های روزمره شان بودی...

به اصطلاح مردم شریف افغانستان، " خودم کردم که لعنت بر خودم باد!"

و اما آنچه امریکائی ها در کشور ما رواج داده و گسترش دادندی، در کنار هزار و یک بدعت دیگر، یکی هم قهرمان سازی و قهرمان پروری و ساختن و شکستن قهرمان های تخیلی شان بودی تا باشد ملت رنجور و رنجیده و رنج کشیده افغان را سرگرم و مصروف همین قهرمان تراشی های تهوع آور بساختی و به اهداف شوم خود برسیدی.

و چنان بودی که مردمی را و ملتی را بُت پرست ساختندی که یک روز بُتی می تراشیدندی، روز دیگر بُتی می پرستیدندی و روز دیگر بُتی می شکستندی و غرق در بُت تراشی و بُت پرستی و بُت شکنی بودندی و مردم مظلوم افغانستان جنگ زده و ویران ساخته شده را در عالم خیال نگهداشتندی. شاعری چه خوش گفتی باری:

رہی جز کعبه و بتخانه می پویم که می بینم

گروهی بت پرست اینجا و مثنی خود پرست آنجا

بباید بت شکنی کردی و شخصیت پرستی کنار گذاشتی و افغانستان عزیز را از قبرستان فلک زده به یک گلستان زیبا مبدل کردی تا خلق خدا بعد از چهل و اندی سال جنگ و خونریزی و قتل و کشتار و بعد عمری مرده پرستی و قهرمان سازی و بُت پرستی و مرگ و انفجار و انتحار و قبر سازی های آنچنانی، بجای دیدن قبر این جنگ سالار و گور آن جنگ سالار و بُت این جنایتکار و آن جنایتکار، باری هم به دیدن روی یک گل زیبا و یک پارک دلارا و یک شرشرآب گوارا و...، دمی نفسی به راحت درکشندی و افغانستان باردگر یک گلستان زیبا گردی از همه اقوام و همه ایل و تباری و هیچ گلی را بر گل دیگر برتری نبودی. بگفته روانشاد اقبال لاهوری:

نه افغانیم و نی ترک و تاتاریم

چمن زادیم و از یک شاخساریم

salamwatanam@gmail.com

تمیز رنگ و بو بر ما حرام است
که ما پروردهٔ یک نو بهاریم

مقبره های میلیون دالری و بت های دلگیر یک مشت جنگ سالار و جنایتکار را ببايد از سرزمین سوختهٔ خود برای همیشه بروبیم و بجای هر مقبره و گور و قبر و "تندیس" و مجسمهٔ بدریخت و تهوع آور، یک درخت بنشانیم، یک پارک تفریحی بسازیم، یک بته گل رعنا و زیبا غرس کنیم و... سهراب سپهری شاعر خوش قریحهٔ ایران زمین باری در همین مورد چه خوش سروده بود:

"جای مردان سیاست، بنشانید درخت، تا هوا تازه شود."

و مردم افغانستان جنگ زده و آفت رسیده و برباد داده شده، در این عصر و زمانه و در این قیل و قال و در این جنجال بی مثال و...، به هوای تازه ضرورت مبرم و حیاتی دارند. نفیر گلولة ها را خاموش کنید و شاخه گلی تقدیم هموطنی بنمائید تا دلی به دست آورده باشید.

به تکلم به تبسم به خموشی به نگاه

می توان برد به هر شیوه دل آسان از دست